



سرنوشت اطفالی که از دنیا می‌روند، چه خواهد شد؟

درباره چگونگی تعامل با اطفال مؤمنان در جهان آخرت گفته شده است که آنان به والدین خود ملحق می‌شوند. درباره چگونگی تعامل با اطفال غیرمؤمنان هم پنج نظریه ارائه شده است.

درباره چگونگی تعامل با اطفال مؤمنان در جهان آخرت گفته شده است که آنان به والدین خود ملحق می‌شوند. درباره چگونگی تعامل با اطفال غیرمؤمنان هم پنج نظریه ارائه شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین علی نصیری استاد حوزه و دانشگاه در این متن به این سوال پاسخ می‌دهد که سرنوشت اطفالی که از دنیا می‌روند، چه خواهد شد؟

مراد از طفل کسی است که پیش از رسیدن به سن بلوغ و تکلیف از دنیا رفته باشد. اطفالی که از دنیا می‌روند به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند: ۱. اطفال مؤمنان؛ ۲. اطفال غیر مؤمنان شامل کافران، منافقان و... از اطفال در متون دینی به عنوان مصداقی از مستضعفان فکری و دینی یاد شده است. آیه «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» اشاره به این امر دارد.

نیز روایت ذیل در کافی شریف «بَابُ الْمُسْتَضْعَفِ» دلیل مدعا است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِ فَقَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَهْتَدِي حِيلَةً إِلَى الْكُفْرِ فَيَكْفُرَ وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى الْإِيمَانِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُؤْمِنَ وَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْفُرَ فَهُمْ الصَّبِيَّانَ وَمَنْ كَانَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ عَلَى مِثْلِ عَقُولِ الصَّبِيَّانِ مَرْفُوعٌ عَنْهُمْ الْقَلَمُ.

درباره چگونگی تعامل با اطفال مؤمنان در جهان آخرت گفته شده است که آنان به والدین خود ملحق می‌شوند. آیه شریفه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم.» شاهد این مدعا است، البته در برخی از روایات آمده است که اطفال پیش از الحاق به والدین خود در روز قیامت توسط والدین خود یا صدیقه طاهره (ع) یا ابراهیم و ساره سرپرستی می‌شوند.

درباره چگونگی تعامل با اطفال غیرمؤمنان پنج نظریه ارائه شده است:

۱. درباره حکم آنان سکوت کنید و علم آن را به خداوند واگذار نمایید. روایت ذیل موید این مدعا است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْبَنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا تَقُولُ فِي الْأَطْفَالِ الَّذِينَ مَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَبْلُغُوا فَقَالَ سُئِلَ عَنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا عَامِلِينَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ هَلْ تَدْرِي مَا عَنَى بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ قُلْتُ لَا فَقَالَ إِنَّمَا عَنَى كَفُّوا عَنْهُمْ وَلَا تَقُولُوا فِيهِمْ شَيْئًا وَرَدُّوا عِلْمَهُمْ إِلَى اللَّهِ ۲. خداوند بر اساس علم خود به آینده آنان عمل می‌کند. اگر بداند که کودکی در صورت ادامه زندگی و پس از دوران بلوغ، مؤمن و سعید می‌شود، او را داخل بهشت می‌کند و اگر بداند کافر و شقی می‌شود، او را داخل آتش خواهد کرد. بر این اساس، خداوند در روز قیامت آنان را به داخل شدن در آتش امتحان می‌کند، چنانچه فرمان او را اطاعت کنند، آتش بر آنان برد و سلام شده و پاداش می‌یابند و اگر اطاعت نکردند، آنان را به آتش دوزخ در می‌آورد.

چند روایت دال بر این مدعا است؛ نظیر دو روایت ذیل:

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ رَفَعُوهُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَهُمُ اللَّهُ وَأَجَحَّ لَهُمْ تَارًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطْرَحُوا أَنْفُسَهُمْ فِيهَا فَمَنْ كَانَ فِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ سَعِيدٌ رَمَى بِنَفْسِهِ فِيهَا وَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ أَنَّهُ شَقِيٌّ امْتَنَعَ قِيَامُ اللَّهِ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُونَ يَا رَبَّنَا تَأْمُرُ بِنَا إِلَى النَّارِ وَلَمْ تُجِرْ عَلَيْنَا الْقَلَمَ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ قَدْ أَمَرْتُكُمْ مُشَاقَّةً فَلَمْ تُطِيعُونِي فَكَيْفَ وَلَوْ أُرْسِلَتْ رُسُلِي بِالْغَيْبِ إِلَيْكُمْ.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّنْ مَاتَ فِي الْفِتْرَةِ وَعَمَّنْ لَمْ يُدْرِكِ الْحِثَّ وَالْمَعْنُوهُ فَقَالَ يَحْتَجُّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِرَفْعِ لَهُمْ تَارًا فَيَقُولُ لَهُمْ ادْخُلُوهَا فَمَنْ دَخَلَهَا كَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَنْ أَبَى قَالَ هَا أَنْتُمْ قَدْ أَمَرْتُكُمْ فَعَصَيْتُمُونِي

۳. آنان در جایی به نام «اعراف» که مکانی میان بهشت و جهنم است، ساکن می شوند.

۴. آنان به عنوان خدمتکاران اهل بهشت وارد بهشت می شوند: «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وُلْدًا مُّخَلَّدُونَ؛ نوجوانانی جاودان در شکوه و طراوت پیوسته گرداگرد آنان می گردند».

۵. در این بین تنها فرقه حشویه معتقد است که اطفال کافران به پدران خود ملحق شده و داخل جهنم خواهند شد.

چنان که پیداست بر اساس به استثنای نظریه مردود حشویه، هیچ از دیدگاه های پیش گفته، اطفال کافران به جهنم وارد نخواهند شد، مگر طبق یک نظریه که مبتنی بر روایتی از امام باقر (ع) است که در صورت عدم اطاعت از فرمان الهی وارد جهنم می شوند.

درباره این که چگونه در جهان آخرت از این دست از اطفال امتحان گرفته می شود، در حالی که می دانیم جهان آخرت، جهان امتحان و عمل نیست، چند نظریه ارائه شده است:

۱. نفی امتحان و عمل مربوط به بهشت و جهنم است، نه پیش از آن و این دست از اطفال پیش از ورود به بهشت یا جهنم امتحان می شوند.

۲. قانون نفی عمل و امتحان، عام نیست و در باره اطفال کافران استثنا شده است.

نظر مختار:

چنان که از ظاهر روایات بر می آید، آن چه به عنوان افروختن آتش و فرمان به عبور از آن برای اطفال در قیامت رخ می دهد، امتحان واقعی نیست و تنها برای اثبات سعادت و شقاوت آنان تحقق می پذیرد تا آنان نگویند که از کجا ما مستحق بهشت یا جهنم شده ایم. بنابر این، مشکل این دست از روایات از جهت عدم امکان امتحان در جهان آخرت حل می شود؛ زیرا امتحان واقعی رخ نمی دهد.

اشکال از ناحیه دیگر وارد می شود و آن این که خداوند با علم خود با بندگان عمل نمی کند و الا می توانست پیش از آمدن ما به این جهان و تحقق معصیت یا اطاعت ما را به بهشت یا جهنم ببرد.

حال اگر طفلی به استناد علم الهی به آتش پا بگذارد، در حقیقت تنها نشانگر شقاوت اوست و تنها یک نافرمانی نسبت به فرمان الهی انجام داده است. در نتیجه مستوجب آتش نخواهد بود. از این جهت روایات مخالف عدل و رحمت الهی خواهد بود. جالب آن که در این روایات، اطفال به صورت مطلق آمده و تنها منحصر به اطفال کافران نیست. در این صورت با همه روایاتی که در آنها به ورود اطفال مؤمنان به بهشت تاکید شده، مخالف خواهند بود. راه چاره کنار گذاشتن این دست از روایات یا سکوت در برابر آنها و واگذاری علمشان به اهل بیت (ع) است.